

سوم کل دعاوی تا حقوقی و کیفری به دلیل اعتبار معاملات عادی و ابطال پذیری مالکیت رسمی است. فقدان نظارت حکومت بر نقل و انتقال مالکیت اموال غیرمنقول، علاوه بر آسب‌هایی چون معاملات معارض، زمین‌خواری و تزلزل حقوق مالکیت، موجب افزایش قابل توجه دعاوی قوه قضاییه شده است. ریشه این مسأله غلبه فقه فردی بر فقه حکومتی است که شرط اصلی انتقال مالکیت برای هر مالی را قصد انشا و ابراز این قصد، می‌داند.

در نتیجه این رویکرد فقهی، حکومت مشروعیت و ابزار خود برای سیاست‌گذاری و نظارت را از دست داده و در نتیجه توانایی برای حل مسأله ندارد، به طوری که در حال حاضر به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق صاحب‌نظران مادامی که مسأله اعتبار معاملات عادی به طور ریشه‌ای برطرف نشود، تلاش‌های قابل تحسین قوه قضاییه در ارتقای سامانه‌های ثبتي و ثبت الکترونیک، به ثمر نخواهند نشست.

۲-۱. افزایش اختلافات ارجاعی به دادگاه‌ها به دلیل عدم توسعه زیرساخت‌ها و ابزارهای حل اختلاف غیرقضایی

یکی از معضلات نظام قضایی کشور این است که حل و فصل عمده اختلافات مورد رسیدگی قضایی قرار می‌گیرند. در بسیاری از کشورها به کارگیری و توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین ADR، یکی از برنامه‌های عملیاتی به منظور کاهش هزینه و بار دادگاه‌ها است. در راستای توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین، موضوعات مشخصی به عنوان موضوعات لازم‌الارجاع به داوری شناخته شده و دادگاه‌ها موظف به ارجاع آن پرونده‌ها به داور هستند.

تجربه تشکیل شوراهای حل اختلاف هرچند با این رویکرد شکل گرفت اما در نهایت به دلایل مختلف به نهادهای شبه‌قضایی تبدیل شد. در حال حاضر به دلیل مشکلات متعددی مانند خلأ قانونی برای اقدامات تأمینی، برخی اختلاف‌نظرهای فقهی در مورد جایگاه رأی داور و در نتیجه تزلزل آرای داوری و از همه مهم‌تر عدم پشتیبانی قانونی از شکل‌گیری داوری نهادی، باعث شده که در عمل این ظرفیت مهم بالفعل نشود.

۳-۱. کاهش دعاوی مالی و تجاری از طریق شفافیت سوابق اقتصادی و اعتباری افراد

حجم عظیمی از اختلافات و دعاوی مالی ناشی از عدم تقارن اطلاعات و با دسترسی نداشتن به سوابق مالی افراد در هنگام معاملات است. ایجاد شفافیت اعتبار اقتصادی افراد یکی از راهبردهای مورد توجه برای حل معضل عدم تقارن اطلاعات در مناسبات تجاری و اقتصادی است. طراحی سامانه‌ای ملی ناظر بر سوابق حقوقی، کیفری و اقتصادی آحاد جامعه جهت استفاده طرفین معاملات و قراردادهای منظور استعلام از آن و شناخت افراد پرریسک اقتصادی می‌تواند به بهبود روابط اقتصادی و کاهش ورودی پرونده‌های دادگاه‌ها کمک کند. با استفاده از این سامانه ملی می‌توان افراد دارای محرومیت‌های حقوقی را مشخص کرد تا افراد در هنگام معامله با عقد قرارداد، با اذاجازه از طرف مورد معامله‌شان بتوانند آگاهی کامل از وضعیت حقوقی طرف مقابل داشته باشند. عدم معامله با افراد پرریسک باعث کاهش دعاوی تجاری و بازرگانی و در نتیجه کاهش بار پرونده دادگاه‌ها می‌شود.

۲. چابک سازی ساختار و رفع نقاط تعارض منافع ساختاری

طبق قانون اساسی، ریاست قوه قضاییه مختار است که برخی از امور اداری و غیرقضایی را به وزارت دادگستری تفویض کند. در حال حاضر وظایف مهم و سنگینی مانند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها و روزنامه رسمی ذیل قوه قضاییه تعریف شده‌اند. اداره این سازمان‌ها علاوه بر بار مدیریتی و اجرایی که برای مدیران قوه ایجاد کرده است، به دلیل عدم امکان نظارت بیرونی بر عملکردشان دچار تعارض منافع ناظر و منظور شده که منجر به ناکارآمدی بخشی از مأموریت‌های مهم مانند عدم اتمام طرح مهم کاداستر شده است. در صورت انتقال این سازمان‌ها به وزارت دادگستری یا سایر نهادهای اجرایی، قوه قضاییه بالتبع می‌تواند علاوه بر تمرکز بر حوزه حقوقی و قضایی، نظارت بیرونی و مؤثرتری بر این نهادها نیز داشته باشد.

از دیگر نقاط تعارض منافع ناظر و منظور در قوه قضاییه، مسأله کلان نظارت بر قوه است. در حال حاضر حفاظت قوه قضاییه و دادگاه انتظامی

قضات که به نوعی متولی امر نظارت محسوب می‌شوند، به دلیل ساختار درون قوه‌ای شائبه غیربهره‌ور بودن و عدم کارآمدی دارند. ایجاد ساختار نظارتی خارج از قوه پیشنهادی است که می‌تواند تا حدی مسأله نظارت بر قوه قضاییه را مرتفع سازد. البته حفظ اقتدار مدیریتی رئیس و معاونین قوه ملاحظه صحیحی است که در این مدل جدید باید کماکان رعایت گردد. بنابراین به طور مشخص، پیشنهاد مذکور بر ایجاد نهادی بیرونی با مأموریت نظارت بر هیئت‌رئیس قوه قضاییه متمرکز است به نحوی که در بدنه قوه، شأن ورود نداشته باشد تا ضمن رعایت اقتدار مدیریتی حوزه ریاست، نظارت بر قوه، افزایش کمی و کیفی داشته باشد.

منطق این پیشنهاد بر ضرورت پاسخگو بودن هیئت‌رئیس نسبت به زیرمجموعه خویش و در قبال شاخص‌های کلان ارزیابی عملکرد استوار است.

۳. بازطراحی فرآیندهای قوه قضاییه

پس از آن‌که از طریق کاهش پرونده‌های ورودی و تغییرات ساختاری، قوه قضاییه از زیر بار فشار و سنگینی فعلی خارج شود می‌تواند بر اصلاح و تعالی توان رسیدگی جهت بهره‌ور شدن رسیدگی‌ها توأمان با افزایش عدالت تمرکز کند. اصلاح و تعالی توان رسیدگی، علاوه بر تقویت ضمانت عدالت و پشتیبانی از حقوق مردم، به دلیل بالا بردن هزینه جرم و تخلف در جامعه، اثر کاهش بر روی پرونده‌های ورودی نیز دارد. ارتقای توان رسیدگی متوقف بر اصلاح فرآیندهای روبه‌ها و قواعدی است که به دلیل معماری غلط، علاوه بر کاهش بهره‌وری و اطاله دادرسی‌ها، موجب افزایش امکان وقوع فساد شده است. براین اساس بازطراحی فرآیندها و سازوکارهای قوه، براساس رویکردهای زیرپیشنهاد می‌شود.

۱-۳. اصلاح قواعد مبنا در روبه‌های رسیدگی

برخی پیش‌فرض‌ها و قواعد مبنا به خصوص قاعده مبنای ناظر بر نقطه شروع اقامه دعوا و بار اثبات در روبه‌های رسیدگی خود منجر به کاهش هزینه دعاوی واهی در برخی موارد و اطاله دادرسی در برخی موارد دیگر شده است. در صورت تحلیل دقیق روبه‌های رسیدگی بسیاری از دعاوی پرتکرار